

دانشمندان آذربایجان

طولانی داشته و هنوز لطائف طبع و خوش صحبتی او در آذربایجان ضرب المثل است در اواخر عمر بسیر و سیاحت شروع کرده بققاز و استانبول و مصر رفته و در سنه ۱۳۲۵ در قلیس وفات کرده است دیوانش مرکب از اشعار پارسی و ترکی دومیته در تبریز چاپ شده و غیر از آن نیز اشعاری دارد که هنوز بطبع نرسیده غزل ذیل از آنهاست .

« بسکه دل از شوق تو ای لبت مست

شیشه توبه ز طاق دلم افتاد و شکست »

« ز کمان خانه ابروی تو تیری بر خاست

کرد از سینه گذر بر دل مجروح نشست »

« بوی جان پرور زلفین تو هر جا که رسید

قیمت مشک تر و رونق عنبر بشکست »

« خوردن باده حلاست کسیرا که بود

لب جانان بلب و جام لب بر دست

« مست بودیم شب دوش من و یار ولی

او ز می مست من از نرگس مستش سرمست »

« من نه خود توبه شکستم که کار شوم

توبه خود را شکند چون تو شوی باده پرست »

« من بشمشیر و بسزنجیر تن و سر دادم

تا سر زلف تو با گوشه ابرو پیوست »

« بی تو دست از همه آرایش هستی شستم

نیستی بی تو مرا بهتر از آن هر چه که هست »

« آفرین بر لب لعلت که دمید افسونی

بیکی دم ز تکلم لب لعلی را بست »

(تقویم تربیت)

مالک دیلمی - اصلش از تبریز است و بعضی گفته اند که از قزوین و اکثر

نخطوط خصوصاً نستعلیق را خوب مینویسد و از موسیقی و شعر هم وقوف تمام دارد و

محمد قلی ماهر

در معما نیز بد نیست این مطلع ازوست .

« تا بکی یار رقیب از بهر آزارم شوی کی بود کز بهر آزارم دمی یارم شوی »
(نحفه سامی)

محمد قلی ماهر - از ایل صحرای مغانست ولی در اردبیل بشغل عطاری مشغول بوده و در شعر تبع استادان مینموده است دیوان مختصری دارد پر از اشعار خوب از آنهاست .

« در گوش و زبان دل مردم سخن تست

در خلوت هر کس که رسی انجمن تست »

« از کنج دهانش هوس بوسه نمودم

خندید چو گل گفت زیاد از دهن تست »

« شکسته رنگی ماهر ز شعر او پیداست

مگر بسیلی تحسین کنند یاران سرخ »

(سفینه خوشگو)

ماهی خانم - خواهر ملائاری است بجمال صورت و حسن سیرت آراسته و بلطافت

و نزاکت خیال پیراسته بوده است و لها

« اشکی که سرزگوشه چشمم برون کند

بر روی من نشیند و دعوی خون کند »

« آه ز آن زلفی که دارد رشته جان تاب او

و ای زان لعلی که هر دم میخورم خوناب او »

مایلی اردبیلی - از شعرای دوره شاه عباس اول بوده ذوق سرشار و طبع روانی

داشته است از آلات موسیقی طنبورونی را خوب مینواخته و اشعار عاشقانه بلندی دارد
از آنهاست

« بزم خالی دیدم امشب چون صراحی پیش یار

ریختم در جام اخلاص آنچه در دل داشتم »

(مجمع الخواص)

مبارک‌شاه زرین‌قلم تبریزی - از خوشنویسان قرن هشتم هجری است بغایت نازک و شیرین مینوشته است سلطان اویس جلایر در نجف اشرف عماراتی که بنا کرده است کتابه آنها را زرین‌قلم نوشته است و از آن جهت او را زرین‌قلم گفته اند (کلام الملوك) **مبدع تبریزی** - مدتی در اصفهان زرکشی و نخ‌کوبی میکرد چند سال قبل از این (۱۰۸۱) بهند رفته خبری از او نیامد شعرش اینست .

« کرده ام غرقه بخون چشم گهر افشان را

رشته گوهر دل ساخته ام مژگان را »

« می طپد دل در برم دلبر نمیدانم چه شد

انتظارم گشت آن کافر نمیدانم چه شد »

« دوش سر زد ناله همت بلندی از دلم

نه فلک را سوخت بالاتر نمیدانم چه شد »

(نذکره نصرآبادی)

مبهوت - از شعرای عهد فتحعلی شاه بوده و اشعارش ترکیب است .

(حدیقه الشعراء)

متینی تبریزی - در شعر و شاعری طبعش خالی از انگیزی نبود این مطلع

از اوست .

« منم پیش خدنگ دلربایش چون نشان مانده

وجودم گشت خاک و استخوانی زان سنان مانده »

(تحفه سامی)

مثال - سخن طرازی بی مثال و در تبریزیان فصیح و بلیغ و شیرین مقال بود .

وله .

« کریم را نبود دستگاہ بخشش تنک

مرا خجالت عذر گناه می سوزد »

(صبح گلشن)

مجتهدزاده - محمد بن میرزا صدر قرا باغی است کتابی در سنه ۱۳۲۵

هجیر بیلقانی

بعنوان ریاض العاشقین مشتمل بر شرح حال شعرای قرا باغ و منتخبات اشعارشان در ترکی و پارسی و صورت و تمثال آنان تألیف کرده جلد اولش در تاریخ ۱۲۳۸ در استانبول چاپ شده و آن ترجمه ترکی تذکره نوابست که قبل از آن تألیف و چاپ شده است.

ابو المکارم هجیر الدین بیلقانی - از سخنوران خوش بیان قرن ششم هجری بوده و دیوانش قریب به پنجهزار بیت ملاحظه شد تصاید عالی و غزلهای شیرین دارد امیر خسرو دهلوی در دیباچه غرة الکمال شیوه بیان و طرز سخنان ویرا بر خاقانی شروانی ترجیح داده است زبده تصایدش در مدح مؤسس سلسله اتابکان شمس الدین ایلدکز و فرزندان او جهان پهلوان و قزل ارسلان میباشند و بغیر آنها نیز قصیده ها ساخته است بنا بر روایت تذکره نویسان مشار الیه دو بار از طرف اتابکان جهت تحصیل و جوه دیوانی باصفهان رفته است در مرتبه اول فیما بین او و جمال الدین عبد الرزاق و شرف الدین شفروه باب معارضه و مجادله باز و اهاجی رکیکه رد و بدل شده است و در مرتبه دوم دائره فساد بدرجه وسعت یافته که در هنگام رفتن حمام مقتولش ساخته و صد هزار دینار خونبها داده اند سال قتل و یاقوت او باختلاف اقوال فیما بین سنوات ۵۶۸ و ۵۹۴ واقع شده است اثیر الدین اخسیکتی و ظهیر الدین طاهر بن محمد الفاریابی و جمال الدین شاهفور بن محمد الاشهری النیشابوری نیز از جمله معارضین او بوده و هر سه در اواخر قرن ششم در تبریز مرده و در مقبرة الشعرا مدفون هستند. وله

« سرو امل بیاغ عدم تازه گشت هان

پائی برون نه از در دروازه جهان »

« عزت طلب که از غم این چار میخ دهر

گردون هفت خانه بغزلت دهد امان »

« افعی دهر اگر بزند بر دلت مترس

کوراست زهر و مهره بیک جای در دهان »

دانشمندان آذر با بجان

« از تاب فقرت ار بن ناخن شود کبود

انگشت در مزن بسیه کاسه جهان »

« با تشنگی بساز که در شط کائنات

با هر دو قطره آب بهنکیست جان ستان »

« جان ده بهای یکشبه وحدت ای حریف

گوگرد سرخ کس نستاند بر ایکان »

« راحت طمع مدار که عقلت بدست نفس

ماهی در آتش است و سمندر در آب دان »

« بوی شیر از دهن سوسن از آن می آید

که هنوزش سر یستان صبا در دهن است »

« ده زبان دارد و خاموش بود حق با اوست

با چنین عمر که اوراست چه جای سخن است »

شرف الدین میرزا احمد بن محمد رضا تبریزی مجذوب - از علمای

معروف قرن یازدهم هجری است دروسعت مشرب وسلوک و کثرت ذوق تصوف بر کمال

بوده طلاب تبریز هر روز در حلقه درس وی گرد آمده از بیانات شیرین وی فیضها میبرده

اند غزلیات شیرین و مثنویات سلیس و روانی منظوم فرموده اند تألیف دیوانش در تاریخ

۱۰۶۳ خاتمه پذیرفته و سه مثنوی هم در بحور خفیف و رمل و متقارب گفته است این

دوسه بیت از مثنوی متقاربست .

« گره بسته داشت طفلی بدست فکند از کف و در کمینش شست »

« دوان طفل دیگر ربودش ز جا چو بگشود دروی بند جز هوا »

« گره بسته دایا و طفل آن دنیست بگوش که چیزی بوی بسته نیست »

مثنوی شاه راه نجات را در سنه ۱۰۶۶ برشته نظم کشیده و رساله هم بعنوان

تأییدات که پر از معارف و حقایق میباشد در سال ۱۰۸۸ منظوم داشته که سیصد و چهارده

بند است .

مجرم مراغه

این میرزا محمد مجنوب غیر از حاجی محمد جعفر خان قراگوزلو متخلص به مجنوب است که در تاریخ ۱۲۳۹ در تبریز وفات کرده در مقبره سید حمزه مدفونست **حاجی میر سلاطین موسوی مشهور بحاجی کبیر آقا و ملقب بمجنوب علی شاه مجرم مراغه ای** - از معارف آن شهر است دیوانش از قصاید و غزلیات بعنوان بحر الاسرار در سنه ۱۳۲۴ در تبریز چاپ شده و این قطعه از آنجاست .

« سال ایت تیل آم	د و بدرید
« گندم و گوشت و استخوان همه را	
« قحطی نان چنان فراهم شد	
« مهر را از میان چنان برداشت	
« شانزده سال و یک هزار و سه صد	
« سال آینده را خدا داند	

مجرمی اردبیلی - سخنور و خوشگو بوده این بیت عالی ازوست .

« از جنون منت پذیرم زانکه یارم عمر هاست

از نظر رفتست و با او گرم گفتارم هنوز ،

(مجمع الخواص)

مجروح مغانی - که مناظره و مشاجره با سید عظیم شروانی داشته . میرزا **علی مجهر شتربانی** ، **مجنون تبریزی** ، هر سه قرا از سخنورانیهستند که در حدیقه الشعرا شرح حال آنها ذکر شده و اشعارشان ترکیست .

رضاقلی میرزا مجنون مراغه‌ای - از سخنوران قرن چهاردهم هجری بوده و قسمتی از اشعار وی در تبریز چاپ شده است .

محبعلی تبریزی - از مذهبان مشهور ابران و از تلامذه حسن بغدادی که رئیس نگار خانه شاه طهماسب بوده است میباشد . (خط و خطاطان)

محبی - از سخنوران قرن سیزدهم آذربایجان است (حدیقه الشعراء)

محبوب تبریزی - وله .

« شد باعث قتل قاضی ما

دل نیست که هست قاتل ما ،

ادشمندان آذربایجان

« بچشم خون فشان نقش جمال یار می بندم

چو نقاشی که خواهد نقش بر آب روان بنده »

(سفینه نظم و نثر ۱۲۴۹)

محراب تبریزی - از خوشنویسان معروف قرن دهم هجری بوده و در سال

۹۰۹ قرآنی بخط نسخ بقلم آورده است نسخه از آن در کتابخانه جامع ابراهیم پاشا (استانبول) دیده ام .

محمد حسین محرون - خلف عنایت الله شیخ الاسلام تبریزی بوده و در سال

۹۸۲ مرحوم شده است در کلام الملوك مینویسد مشار الیه بمشهد رفته از مولانا میرزا سید احمد تعلیم گرفته و در اندک مدتی خط را بدرجه رسانیده که خط او را بمیر استادش ترجیح میداده اند در زمان شاه اسمعیل ثانی مدار کتابه نویسی عمارات متعلق باو بوده است .

محمد بن ابی بکر شروانی - از موسیقی شناسان قرن هفتم هجری بوده رساله

موسیقی اخوان الصفارا مختصر کرده است نسخه از آن در کتابخانه ملی پاریس هست (موسیقی شناسان ایران تالیف نگارنده)

حکیم میرزا محمد اردبیلی - از حکما و ادباء قرن یازدهم هجری است

صائب در اردبیل با او ملاقات کرده و ۱۴ بیت از وی در بیاض خود نقل کرده است « همزبانی کو که یکدم هم نفس باشد مرا

بیکسی چون خویش میخوام که کس باشد مرا »

« هرزه گر دباغ چون بلبل نیم پروانه ام

می توانم کرد پروازی که بس باشد مرا »

« بلبل بغان من بخموشی غم دل را

هر کس بزبانی که توانست ادا کرد »

« چراغی از رخت در رهگذار زلف نه کامشب

درین ظلمت پریشان روزگاری خانه میسازد »

شیخ محمد اردبیلی

«درمستی و خوابم نشود عشق فراموش

آسوده گی افتاده به بیهوش دیگر»

«عارف سخن از پیر نهان تواند

واصل صفت وصل بیان تواند»

«چون قطره پیوسته بدریا کم شد

کم گشته ز کم کرده نشان تواند»

شیخ محمد اردبیلی - از تلامذه محقق مجلسی است کتاب بزرگی در علم

رجال موسوم بجامع الرواة ورافع الاشتباهات تألیف کرده است محقق مجلسی اجازه

ویرا چنین شروع فرموده اند: سمع منی المولی الفاضل الکامل مولانا حاجی محمد

الاردبیلی کثیراً من العلوم الدینیة والمعارف الیقینیة سیما کتب الاخبار الخ

میرزا محمد ایواوغلی^۱ - از قورچیان سلطان حمزه میرزا (پسر شاه طهماسب

اول) بوده و خط نیکو داشته است بزبان ترکی و فارسی شعرهای خوب میگفته و

آهارا باطلا و لاجورد نذهیب مینموده از آنهاست.

«خواهم که بگرد سر جانان کردم آشفته آن زلف پریشان کردم»

«زار پرست کفر زلفش کردم کافر تر از ایم که مسلمان کردم»

(مجمع الخواص)

محمد تبریزی - از مقربان نادر شاه و از پیروان نصیر بهاست. وله

«از تغافل او تبسمی میکند مرا زده میکند

ناله میکنم طعنه میزند گریه میکنم خنده میکند»

(صبح گلشن)

میرزا محمد تقی اهری - در تبریز سکنی داشته در انواع ادبیات مهارت بهم

رسانیده و علم نجوم و استخراج را مسلطانه از عهده برمیآمد از جمله آثار وی تقویمی است

که در سنه ۱۲۶۱ استخراج کرده و در همان سال در مطبعه ملا نجفعلی چاپ شده است

۱ - ایواوغلی قصبه یکی از بلاد کات معتبر و آباد ولایت خوی بوده و آن بلوک مشتمل بر سی و یک قریه میباشد.

دانشمندان آذربایجان

میرزا محمد تقی - خلف خواجه محمد از فضلی تبریز بوده حیوایه حیوان دمیری را بنام شاه عباس ثانی بطور اختصار نقل پارسی کرده و آن در تبریز چاپ شده است .

میرزا محمد حسین - فحل فیان ادب و نحل شان ضرب اصل الفصاحه و البلاغه ملك البراعة والبراعة مولانا الاجل الاعظم فاضل کرمرودی آذربایجانی است که شخص خردش شیفته زبان است و فریفته بیان در اواسط عهد محمد شاه غازی رساله باسلوب مقامات بدیع الزمان مشتمل بر قصص غرایب شیرین و حکایات دلپسند رنگین برشته نظم و نثر کشیده و قصیده ای از تبریز بر آستان معالی صدر فرستاده که هیچیک از فضلی معاصر را یارای آنکه مصرعی از آن موزون نمایند نیست .

« الصدر اعظم من وصفی و تبجیلی و قد ره فوق تشبیهی و تمثیلی »
« الشمس يعرفها من كان يعرفها فلا يزيد لها بسط الاقاويل » الخ
(کنج شایگان)

محمد حنفی تبریزی - وی در غایت دیانت و تقوی بود و در کمال فقر و فنا میزیست در حواشی مطالع لائلی تدقیق برشته تقریر منتظم میداشت و در کتب کلامیه لطائف معانی بر لوح بیان مینگاشت آخر همه را ترك کرده بدرس حصن حصین و شمائل نرمدی و تفسیر قاضی بیضاوی مشغول میبود و در بخارا وفات یافت در بیماری وی عیدالله خان بیادت وی رفت و استدعا کرد که درباره اولاد وصیتی فرماید تا عمل بر طبق آن فرموده و مثاب باشد وی این بیت خواند .

« خلاف طریقت بود کا اولیاء تمنا کنند از خدا جز خدا »
(مرآت الادوار)

مولانا حنفی شرح لطیفی هم بر آداب البعث علامه معظم عضدالدین ایجی بعنوان میزان الادب مرقوم فرموده اند علامه مشارالیه وجیزه آداب البعث را در ده سطر بیان کرده است مولانا غیاث الدین منصور شیرازی هم در مقابل آن وجیزه منظومه ذیل را در این باب گفته اند .

« چنین گفتند ارباب معانی چو بگشودند ابواب معانی »

- « اگر قائل کلامی کرد انشاء
 « اگر ناقل بود در گفته خویش
 « بود تصحیح نقلش از کتابی
 « کلامش ور بود بر وجه دعوی
 « وگر گوید بدعوایش دلایل
 « بداندر که او از اهل راز است
 « پس آنکه میتواند کرد سائل
 « درین هنگام سائل میتواند
 « ویا بر منع گوید مستند را
 « مر این را منع تفصیلی بود سام
 « وگر منعمش بود بر وجه اجمال
 « مر این را منع اجمالیش خوانند
 « اگر دارد دلیلیش را مسلم
 « که منعم حجتی دارم در اینجا
 « یکدیگر چو حجت عرضه دارند
 « بیان شد آنچه میباید در اینباب
 بوجه نقل یا بوجه دعوی
 از و حجت طاب کن از کم و بیش
 و یا از گفته عالی جنابسی
 دلیل و حجتش باید در اینجا
 در اینجا نام او گردد معلل
 که منع مدعی منع مجاز است
 بتعیین منع اجزای دلایل
 دلیلیش را کند منع مجرد
 که منعمش مخفی نبود خرد را
 چنین دارم من از استاد پیغام
 بمنعمش شاهی باید در آن حال
 وگرنه منع تفصیلیش دانند
 تواند کرد منع مدعی هم
 دلیلی میتوانم کرد پیدا
 از آن ناهش معارضه نهادند
 خطا باشد جز این در بحث آداب

این منظومه را ظهوری اسحاق زاده شرحی بعنوان جلای خواطر نوشته اند
 نسخه از آن در کتابخانه اسعد پاشا دیده ام .

محمد رضای تبریزی - وله .

- « ز بسکه آتش شوق تو مدعا سوز است
 « صغیر دل ز عبادت بهر سد افسوس
 عیان نگشته بماهیم هنوز مطلب ما
 که کلبه من ازین شب چراغ روشن نیست
 (لعائف الخیال نصرت)

محمد رضا بن مولانا میرزا محمد مجذوب تبریزی - از علما و عرفای

قرن دوازدهم هجری بوده کتابی بعنوان اتمام الحجه بزبان پارسی در باب ادله اصول

دانشمندان آذربایجان

خمسہ از آیات قرانیہ و دلایل عقایہ و احادیث نبویہ بنام شاه سلطان حسین (۱۱۳۱-۱۱۰۵) تالیف کرده است .

محمد رضا بن عبد المطلب التبریزی - کان عالما فاضلا کمالا جلیلا ادیبا منشیما شاعرا موقرا ماہرا متبحرا جیدا الحفظ والتبحر حسن الدرك والتقرير والتحرير و کان اکثر تحصیله فی مشاهد العراق عند علمائها سیما الشیخ الجلیل محمد مهدی القزونی له مؤلفات کثیرة منها کتاب الاشارات فی الفقه جری فیہ بطریق الانشاء واللغز والتعمیه جید جدا ومنها کتاب الشفافی الحدیث کبیر مبسوط یقرب من مائة الف وخمسين الف فی تسع مجلدات و منها شرح المفاتیح وله حواش علی حاشیة الخفزیه و علی کتاب درة التاج وله اشعار و قصاید بالعربیة و الفارسیة و کان متقلداً فی الدولة الزندیة بقضاء المسکر فی بلدة شیراز و معززا عند السلطان توفی فی بلدة طهران فی شهر سنه ۱۱۰۸ .
(ریاض الجنة)

میرزا محمد رضا بن محمد صادق الحسینی الطاطبائی - از اولاد حاجی میرزا یوسف آقا مجتهد تبریزیست کتابی بعنوان تاریخ اولاد الاطهار در سنه ۱۳۰۰ هجری تالیف نموده و چهار سال بعد از آن در تبریز بطبع رسانیده است .
میرزا محمد بن حسن شروانی - از معاصرین شاه سایمان صفوی بوده از تلامذہ آقا حسین خوانساری است در علوم فقه و حدیث و منطق و حکمت و در آداب بحث و انتقاد مشهور عهد خود بوده است .

بر حسب روایت نصر آبادی داماد ملا محمد تقی مجلسی بوده و پس از تحصیل در نجف پادشاه عصر اورا باصفهان خواسته و جهت وی در محله احمد آباد خانه خریده باو واگذار کرده است .

مولانا رسائل و کتب زیادی تالیف کرده است منجمله حواشی و تعلیقاتی است که بر معالم الاصول و شرح تجرید قوشجی و شرح مطالع و شرح اشارات و شرح حکمت العین نوشته است رسائلی هم در کائنات جو و انموزج العلوم و هندسه مشتمل بر ۱۷ شکل مرقوم داشته و رساله در صید و ذبایح و رساله دیگر در توحید و نبوت و امامت دارد . ترجمه و شرح مبسوطی هم بزبان پارسی بر قاموس فیروز آبادی بقم آورده است

مولا املا میرزا روز نوزدهم رمضان سنه ۱۰۹۸ برحمت خدا پیوسته جنازه ویرا بمشهد حضرت رضا^ع برده در سرداب مدرسه میرزا جعفر دفنش کرده اند این رباعی از نتایج طبع اوست .

« یاد تو کنم دلم پر از خون گردد وین دیده اشک خیز جیحون گردد »

« هر چند ز دیده اشک حسرت بارم در سینه ام آتش غم افزون گردد »

محمد علی تبریزی - از مذاهبان معروف و از تلامذه حسن بغدادی است.

(خط و خطاطان)

حاجی میرزا محمد علی قراجه داغی - از اجله مجتهدین و مروجین شریعت و دین است در فقه و اصول و اخبار و علوم عربیه و فنون ادبیه مقامی منبع و رتبه رفیع دارد در این فنون غالباً صاحب تصنیف است شرح و تفسیری بر خطبه مشهوره حضرت سیده نساء العالمین^ع نوشته و بطبع رسیده است (المآثر و الانار)

میرزا محمد منجم افشار ارموی - از اقوام آقا تقی منجم افشار بوده در علم نجوم تسلط عجیب داشت و احکامش مصون از خبط و خطا از جمله بسالها قبل از رحلتش فوت خود را استخراج کرده در صفحه که الان (۱۳۰۶) دست باز ما بدگانش موجود است نوشته و مطابق النعل بالنعل موافق افتاده . (المآثر و الانار)

ملا محمد مؤمن - خلف فتح الله بن حاجی کاظم طیب از اهل تبریز بوده در تاریخ ۱۱۹۹ لغتی بعنوان مخزن الخزائن از عربی پارسی تالیف کرده که بیشتر در قوافی بکار آید نسخه از آن کتاب بخط مؤلف نزد نگارنده موجود و در آخر آن چنین رقم شده است .

در حینی که احمد خان قلعه تبریز را محاصره و خداداد خان محصور و شهر برهم خورده و پیریشان است در نهایت ناخوشی قلمی گردید روز یکشنبه پنجم رجب ۱۱۹۹ . ملا محمد بن ملا نجفعلی باکوئی - در مراتب علوم و رسوم تالیف در عصر خود ممتاز و منشآت نیکوی بسیار از او یادگار و معلم میرزا محمد خان تابی بوده و کشکول شیخ بزرگوار بهاء الدین محمد عامی را حسب التمنای فتحعلی خان از عربی بفارسی چنانکه شایسته آن کتاب مستطاب است ترجمه فرموده میان او و الحاج محمد

چلبی علیجی تحقیقاتی در تطبیق مذهبی شیعه و سنی واقع بوده جناب علیجی رساله عربی بسیاق مرغوب در آن باب تالیف نموده است (گلستان ارم)

محمدی بیک - بعد از خواجه بیک (۹۴۳) منشی شاه طهماسب شد وی از احفاد خواجه شیخ محمد کججی است که در خطه تبریز بقعه دارد و پسر زاده امیر زکریاء وزیر است وی تعلیق را خوش مینوشت و دو مرتبه منشی شد در شهور اتنی و نماین و تسماء در قزوین رحلت نمود . (گلستان هنر)

محدثی - اردبیلی است ابن مطاع ازوست .

« آه گرم از دل دمامد میکشم آه کاندرا خانه افتاد آتشم »

(تحفه سامی)

محمود - از مردم تبریز است و جام دهانش از باده لطافت لب ریز .
واه .

« سیاه بختی از این بیشتر نمی باشد که مجلس دگران روشن از چراغ من است »

(نگارستان سخن)

قطب المحققین سعد الدین حضرت شیخ محمود بن عبدالکریم بن یحیی الشبستری (۱) تبریزی - از مشاهیر عرفای آذر بایجان بوده در ایام سلطنت کیخاتو خان در قصبه شبستر توأم یافته و در عهد سلطان محمد خدا بنده و ابو سعید بهادر خان در شهر تبریز مرجع علماء و فضلاء بوده است و نظر بروایات عرفات در سال ۷۱۸ و شاهد صادق در ۷۱۹ و مجالس العشاق در ۷۲۰ و هفت اقلیم در ۷۲۵ رحلت کرده مرقدش در آن قصبه وسط باغچه موسوم بگلشن جنب مرقد استادش بهاء الدین یعقوب تبریزی در تحت گنبدی قرار گرفته و البتة زیارتگاه عموم میباشد صحنه و مقابر ایشان بمرور زمان ریخته و خراب شده بود حاجی میرزا آقاسی مرحوم در اواخر عمر تجدید عمارت کرده و در سنه ۱۲۶۷ دو قطعه مرمر بزرگ در روی آن دو قبر نصب شده و در آنجا حکاکی کرده اند که شیخ بزرگوار در سنه ۷۲۰ در ۳۳ سالگی از

۱ - شبستر مر کر ناحیه ارونق از توابع تبریز بوده و حدود آن باراضی قریه بنست و باراضی قریه شانجان و باراضی قریه وایقان و بتخوم باغ خامنه و باراضی قریه شند آباد و باراضی قریه داریان اتصال داشته و بفاصله هشت فرسخ در شمال غربی تبریز واقع شده است .

شیخ محمود شبستری

این دارفانی بعالم جاودانی رحلت فرموده اند و در تاریخ ۱۲۹۷ میرزا حسینخان سپهسالار هم که به پیشکاری ایالت آذربایجان رفته است دوباره آنجا را تعمیر و مرمت نموده است و در چندی قبل بهمت نيمسار سر لشکر حسن مقدم نیز تعمیر شده است .

مولانا شبستری غالب اوقات خود را در سیر و سیاحت گذرانیده و با بسیاری از علما و عرفاء ملاقات کرده و با آنها مراوده و مکاتبه داشته است و بنا بر روایت سیاح شروانی بصوب کرمان نیز تشریف برده و در آنجا تاهل کرده اولاد و احفادی از او بوجود آمده است که جمعی از ایشان ارباب قلم و اهل کمال بوده و بعنوان خواجهگان شهرت یافته اند جناب آقای محمود جم رئیس الوزرای فعلی از آن خانواده و از بنایر اوست . شیخ بزرگوار کتب زیادی تالیف کرده است یکی از آنها مثنوی سعادت نامه است در سه هزار بیت که منقسم بهشت باب و هر بابی مشتمل بر فصول و حکایات و تمثیلات میباشد نسخه ای از نصف اول آن نزد نگارنده موجود و ابیات ذیل را در وصف حال خود گفته است .

« مدتی من ز عمر خویش دیدم	صرف کردم بدانش و توحید »
« در سفرها چه مصر و شام و حجاز	کردم ایدوست روز و شب تکتاز »
« سال و مه همچو دهر میگشتم	ده و ده شهر و شهر می گشتم »
« علما و مشایخ این فسن	بسکه دیدم بهر نواحی من »
« جمع کردم بسی کلام عجیب	کردم آنکه مضافات عجیب »
« از فتوحات و از فصوص حکم	هیچ نگذاشتم نه پیش و نه کم »

مولانا در این مثنوی پنج بزر از مشاهیر عرفای اواخر قرن ششم آذربایجان و شمه از اقوال آنان را ذکر کرده و آن ه قر اینها هستند :

بابا حسن سرخانی ، بابا فرج تبریزی ، خواجه محمد کججانی ، خواجه عبدالرحیم تبریزی ، خواجه صابن الدین تبریزی ، و از جمله تالیفات وی رساله حق - البقین فی معرفه رب العالمین و مرآت المحققین است که هر دو در تبریز و طهران چاپ شده اند رساله شاهد نامه و ترجمه منهاج العابدین امام غزالی و مثنوی گلشن راز نیز ازوست و آن مثنوی عبارت از جوابهایی است که در مقابل سئوالات هفده گانه حضرت امیر حسین متخلص به حسینی منظوم فرموده و هر سئوالی را با کمال اختصار جواب

داده است و مجموع آن ۹۹۳ بیت است .

مثنوی گلشن راز بدرجه سلیس و روان و مطبوع طبایع عموم واقع شده که محتاج بشرح و بیان نیست و مکرر در تبریز و طهران و بلاد هند بطبع رسیده و عرفا و فضلا شرحها و نظیره ها در مقابل آن نوشته اند منجمله :

۱ - شرحی است که گوهر صلبی حضرت شیخ بدان منظومه نوشته و آنچه در آنجا میتوان یافت در هیچ شرحی مشروح نیست . (عرفات العاشقین)

۲ - امین الدین تبریزی که از تلامذه شیخ محمود بوده است هر يك از مصاربع گلشن را کلماتی برای توضیح مطالب افزوده و تمام منظومه را بشکل مستزاد آورده است نسخه از آن در کتابخانه معرفت دیدم .

۳ - شاعری متیخاص به شیرازی در سنه ۸۲۹ گلشن راز را نظما بترکی ترجمه کرده است نسخه ای از آن نزد نگارنده موجود و او اش اینست .

« نفس اردی نفس رحمن نسیمی معطر اولدی جان دل و حریمی »

« یرک یوزی طلو قویون قوزیدی سکز یوز و یکریم طقو زیدی »

نسخه مزبور در تاریخ ۸۷۱ تحریر شده است .

۴ - شرحی است که شجاع الدین کربالی در تبریز بقلم آورده است و بنا بر روایت حشری عبدالرحمن جامی که خیال شرح این نسخه را داشته است پس از دیدن این شرح صرف نظر کرده است .

۵ - شرحی است که شاه نعمت الله ولی (۸۳۴) بر این وجیزه نوشته است .

(روضه اطهار)

۶ - شرحی است که سید نظام الدین محمود داعی الی الله شیرازی (۸۶۷) بقلم

آورده که بعنوان نسایم گلشن معروف و نسخه ای از آن در دانشکده معقول و منقول هست .

۷ - شرحی است که سید یحیی خلوتی شروانی (۸۶۸) نوشته و نسخه ای از آن

در کتابخانه مرادیه در مغنسیا موجود است .

۸ - شرحی است که شمس الدین محمد بن علی لاهیجی متخلص به اسیری (۹۱۲)

بعنوان مفاتیح الاعجاز در سنه ۸۷۷ تالیف کرده و در آخر آن چنین گفته است .

شیخ محمود شبستری

« بسی تصنیف دیدم در حقایق
« اگر چه عارفان بسیار بودند
کجا باشد چنین گلشن که دروی
ازین گلها کجایابی تو بوئی
« چنین درهای بر قیمت اسیری
ندیدم همچو گلشن برد قایق «
« بر فان شیخ محمود است قایق «
زمعنی بشکفد زینسان شقایق «
مگر گوئی بگل ترک علایق «
بگوش مردم نادان چه لایق «

این نسخه در تاریخ ۱۲۶۴ در طهران چاپ شده است

۹ - شرحی است که شاه مظفرالدین علی شیرازی (۸۸۶) بر آن منظومه نوشته است .
(کشف الظنون)

۱۰ - شرحی است که بابا نعمت الله بن محمود نخجوانی (۹۰۲) بر آن مجموعه نوشته است نسخه از آن در کتابخانه حمیدیه دیده ام .

۱۱ - شرحی است که قاضی حسین میدی ۹۰۹ بر آن سؤال و جواب نوشته است نسخه از آن در کتابخانه حاجی حسین آقا ملک هست .

۱۲ - شرحی است که ادریس بن حسام الدین بدلیسی (۹۳۰) نوشته است .

(کشف الظنون)

۱۳ - شرحی است که کمال الدین حسین بن شرف الدین عبد الحق اردبیلی متخلص به الهی (۹۵۰) بر آن مرقوم داشته اند نسخه از آن در اردبیل بخط آن مرحوم بوده است .
(ریاض العمائم)

۱۴ - شرحی است که خواجه معین الدین محمد بن محمود معروف به دهدار متخلص بفانی (۱۰۱۶) از نسخه اسیری تلخیص کرده است و آن در هند چاپ شده است .

۱۵ - شرحی است که احمد بن موسی ترتیب داده است (روژه اطهار)

۱۶ - ترجمه آلمانی است که صد سال پیش از این ۱۲۵۲ با اصل پارسی در

شهر وین باضمیمه دور نماهای قصبه شبستر و مقبره شیخ محمود چاپ شده است .

۱۷ - شرحی است که محمد بن ابراهیم بن محمد علی سبزواری در این اواخر

بر آن منظومه نوشته و آن در طهران چاپ شده است .

دانشمندان آذربایجان

مولانا عبدالرحیم خلونی (۸۵۹) و جلال الدین دوانی (۹۰۸) بعضی از آیات مشکله گلشن راز را شرح و تفسیر کرده اند و ملا محسن فیض (۱۰۹۱) در مقدمه ای که بدیوان خود بعنوان دیباجة الاشواق الاربعه نوشته و اصطلاحات فرقه صوفیه را شرح و توضیح کرده است شواهد از گلشن راز آورده و تقریباً خمس آن مثنوی را در این مقدمه ذکر کرده است. و از جمله نظایر آن مثنوی منظومه های ازهار گلشنی و گلشن رموزی است. اوله

« بنام آنکه آدم نامه اوست	همه عالم رقوم خانه اوست »
« رقوم خانه اش اجزای عالم	حروف نامه اش اعضای آدم »
بهر جزوی از آن اجزای رموزی	بهر عضوی از آن اعضا کنوزی »

این آیات در صفت افلاک از گلشن راز است

« صوفیان کبود پوش همه	از غم اوست در خروش همه »
« آتش اندر دل و هوا در جان	کرده بر خاک آبدیده روان »
« همه روشندان جان پر تاب	همگی سرکشان بیخورد و خواب »

مولانا ملا عبدالعلی محوی - در شهر اردبیل تولد یافته ولی در شیراز نشو و نما کرده است و بعد از سیر و سیاحت آنجا و اصفهان در تاریخ ۱۰۲۰ بهندوستان رفته و مدتی در نزد رستم میرزای صفوی حاکم تته بسر برده در اوائل سنه ۱۰۲۳ در راه اجمیر که با صاحب میخانه همراه بوده اند مشارالیه ۲۷ سال داشته و این بیت را در عرض راه انشا کرده است.

« رهی در پیش دارم کاخر عمر است انجامش

بهر جا مرکم آسایش دهد منزل کنم نامش »

عبدالغنی مؤلف میخانه گوید در آن ایام که با وی ملاقات افتاد میگفت این بیت البته امسال مرا خواهد برد هم در آن روز ها به برهانپور رفت و از قضا بعد از اندک زمانی داعی حق را لیک اجابت گفت و کان ذلك فی سنه ۱۰۲۴ وله

مخلص

« بوی گلی نمیرسد آه مگر ز بخت من

خواب گرفت در چمن قافله نسیم را »

« خواهم ز بتان شعله داغی بلحد برد

اینهم دل من نیست که با من نگذارید »

(میخانه)

مخلص - از شعرای حدیقه الشعراء است

مخلصی - در مجمع الخواص مینویسد حسن مخلصی از قصبه بنیس آذربایجان

بوده و شغلش منحصر بترتیب دادن قبای فتح برای فاتحین بوده است وقتی برای میرزا محمد وزیر قبای فتحی آراسته و ترتیب میداد شخصی بروی وارد شده و پذیرائی مناسب حال ندید و این قطعه را برای وی نوشت و داد .

« جاءه فتح را چو قیمت نیست حسن مخلصی بنیسی »

« بعد از آن بهرا مردان باید بند تبتان فتح بنویسی »

« مردم زغم رخ نکویت رقم ز جهان ندیده رویت »

« فریاد که عاقبت بصد درد بردیم بخاک آرزویت »

« درحشر چوسر بر آرم از خاک هر سوی روم بجنسجویت »

« در چهره حور عین به بینم افتد چو مرا نظر بسویت »

« در دیده مخلصی دو عالم نبود به بهای نیم مویت »

مخمور - میرزا لطف الله فرزند حاجی شکر الله تبریزی بوده در تاریخ ۱۰۹۵

در بندر سورت تولد یافته و در نزد آقا حبیب الله اصفهانی شاگرد آقا حسین خوانساری بکسب کمالات و تحصیل علم پرداخته است و بعد از فوت پدر برای تجارت به بنگاله رفته و در آنجا دختر نواب شجاع الدوله حاکم آن شهر را بجهاله نکاح در آورده و بوسیله او از طرف سلطان بمنصب و عنوان مرشد قلیخان رستم جنک سر افراز شده و در سال ۱۱۶۴ در حیدرآباد مرده است . وله

دانشمندان آذربایجان

« تعجب نیست بد طینت اگر حاجت روا گردد
که زخم کهنه را خاکستر عقرب دوا گردد »
« زدوان کی بخود در ماندگان را کار بگشاید
گره امکان ندارد باز با انگشت پا گردد »

(نتایج الافکار)

مذنب - فتحعلی بن حاجی حسن تبریزی مشهور به ایروانی از سخنوران قرن سیزدهم هجری است در تاریخ ۱۲۴۹ مجموعه ای مشتمل بر نظم و شر از اقوال شعرا و منشیان معروف و سخنان خود جمع آوری کرده است نسخه از آن بخط خود او در نزد نگارنده موجود و دیوانی مرکب از چند هزار بیت از وی دیده ام این مطلع از اوست .
« دوران چو داغدار نموده است لاله را

با خون دل نموده از آن پر پیاله را »

هست تبریزی - از باده سخن مست و سینه مضامین گنجینه اش ناک نکات را داربست است و بر اصناف نظم قادر و در فن شاعری ماهر و له
« داغ هجرانت کشیدم آه درد آلود هم
آتشی بر جانم افتاد و بر آمد دود هم »

(صبح کاشن)

علامه پسر میرزا جان - در قریه طسوج من اعمال ولایت تبریز تولد یافته نسل ایشان بسلسله انصار منتهی میشود صاحب چندین هزار بیت است در بحر مثنوی زبر دستانه سخن میکند از جمله پنج گنج خمسه که در پیش دارد خازن بیانش سه گنج را بر بسته متصرف شده و هذا یوم مالک اوست اول کتاب موسوم بحصول المراد در بحر مخزن تخمیناً سه هزار بیت و کتاب دیگر موسوم بعشق و حسن در بحر یوسف زلیخا تقریباً چهار هزار بیت و کتاب دیگر در بحر لیلی و مجنون فضیات این قدوة الشعراء زیاده از آنست که خامه صداقت ترجمه باظهار آن مبادرت تواند جست از جمله کار هائیکه در اینولار صد بند داش آن جناب در پیش دارد شرحی است که عبارات پسندیده بر زیج حضرت میرزا الغ بیک رحمه الله مینویسد سن شریفش در این ایام از پنجاه متجاوز

مستشار الدوله

است تحصیل کمالات در خدمت شیخ الفضلاء شیخ حسین تنک آبادی که از جمله علماء عصر حضرت صاحبقرانی است بوده این چند بیت از جمله اشعار آبدار اوست که زبان زد خامه تحریر شده من البحر المخزن .

« ای بتو روی همه از شش جهت
از جهت آنکه نه در جهت »
« رشته جانها ز تو پر پیچ و تاب
از تو پسا خیمه زرین طناب »
« نور ظهور تو درین بار گاه
بسته بچشم همه راه نگاه »

من بحر یوسف وزلیخا

« بحسن عشق او را میکنم یاد
که نام دلبری و دلدهی داد »
« علو پایه تقدیس اندات
کجاو کی رسی هیئات هیئات »
« درین ره عقل حیرانست و مجنون
تعالی شأنه عما یقولون »

« اندر سر هر ذره هوایست نهفته

نشینده کس این راز و کسی نیز نگفته »

« بحر است جهان موج زن از جنبش ارکان

اندر صدقش پر ز گهر های نسفته »

« در سینه غم عشق چه داغی است نمایان

در دل هوس وصل چه در است نهفته »

« خاریم اگر چه چمن آرای خودیم

خاکیم و غبار خاطر پای خودیم »

« در وادی بی خودی شب و روز چو موج

عمر است که میدویم و بر جای خودیم »

(قصص الخاقانی)

میرزا یوسف خان مستشار الدوله تبریزی . یکی از رجال فعال و نامی

آذربایجان بوده مدتی بسمت کار گذاری در شهر تبریز مقیم بوده و در سنه ۱۲۷۳ کار

پرداز حاجی ترخان و در ۱۲۸۳ مأمور پاریس شده و در دهه اول قرن چهاردهم هجری

در مجلس قزوین مرحوم شده گنجینه دانش و طبقات الارض و رساله اصلاح خط اسلام و يك كلمه از جمله تالیفات او بطبع رسیده و صورتش در شماره ۴۹۳ روز نامه دولت علیه ایران مورخه ۲۰ ذی الحجه سنه ۱۲۷۷ چاپ شده است .

مستوفی اردبیلی - وله .

« باین ناز و ملاححت گر بسیر بیستون آئی نثار مقدمت فرهاد سازد جان شیرین را »
(لطائف الخیال نصرت)

حاجی میرزا مسعود - اصلش از قریه اشلق گرم رود (درسه فرسخی میانه)

بوده و در سنه ۱۳۵۱ بوزارت امور خارجه معین و منصوب شده است .

کمال الدین مسعود شروانی - شاگرد شاه فتح الله شروانی است در علوم

حکمت و کلام و منطق سر آمد زمان خود بوده و سالها در مدارس مهد علیا گوهر شاد بیکم و اخلاصیه بعد از فوت نظام الدین ترك بدرس و افاده اشتغال داشته در تاریخ ۹۰۵ فوت کرده در مزار سیصد ساله هرات مدفونست .

مولانا مسعود حواشی و تعلیقات زیاد بر اکثر کتب متداوله مرقوم داشته اند تعلیقات

وی بر شرح حکمت العین مبارکشاه بخاری و شرح طوالمع الانوار و شرح مواقف سید شریف مقبول و مرغوب واقع شده و آداب البحت سمرقندی را شرح ممتازی بقلم آورده که مشهور ترین شروح آن کتابست و در صفت معما نیز استاد بوده و در صنایع شعریه کتابی تالیف نموده که کسی مثل آن ندیده و در صفت مغلوب مستوی این بیت خود را مثل آورده است .

« شکر دهنای غمی نداری ایرادنی مغانه در کش »

این مطلع مشهور از اوست .

« بسوز سینه مستان برقت می ناب که نیست سوز مرا سازگار غیر شراب »

آقا سید علی زنوزی مسکین - از سخنوران قرن سیزدهم است در تاریخ

وفات میرزا عبد الکریم ملا باشی گفته .

در شب چهارشنبه چهاردهم ماه از صفر کافتاب در بر حوت است

سوی رضوان شد آن کریم خصایل بمقامی که ذروه جبروتست

المسیح

عقل را گفتم ای - دیر سخندان چون ترا اصلا و مایه از ملکوتست

سال تاریخ را چه در نظر آید آنچه دانی بگو نه جای سکوتست

فکرتم گفت او چو زنده به مشق است کوهو الحی والذی لایموتست ۱۲۹۴

محمد بن امین المدعو بالکاظم الطیب المتخلص بالمسیح - از معاصرین

شاه طهماسب ثانی است و در تاریخ ۱۱۴۰ در تبریز بوده است . وله

« شعله آه به ود رشته امید مرا

اطلس برق بود جامه تجرید مرا »

« بسکه حیران تماشای تو ام در همه عمر

چشم بر هم زدنی نیست چو خورشید مرا »

« دست رو چون نشانند رک نبضم به طیب

چشم بیمار تو شد صحت - باوید مرا »

« عضو عضوم ز بس آمیخت بیاد رخ او

شعله خیزد فکند سایه اگر بید مرا »

« با سخن سنج چه حاجت بشهود است مسیح

از پس پرده اندیشه توان دید مرا »

مسیحی - از تجار عیسویان تبریز و از شعرای قرن دهم هجری بوده از

سخنوران ظریف نادره گوشت وله .

« ایدلبر عیسی نفس ترسائی خواهم که مرا بیخانه بی ترس آئی »

« که چشم ترم باستین پاک کنی که بر لب خشک من لب ترسائی »

علا بیک مشکی تبریزی - بمشک فروشی اشتغال دارد و راجحه خوش طبعی

او در مشام انام خوشتر از مشک اذفر و عنبر عنبر مینماید این مطلع از اوست .

« هر جا که زرخ پرده بر انداخته باشی

صد همچو مرا عاشق خود ساخته باشی »

بخاطر چنین میرسد که اگر مصرع اول را چنین بخوانند بهتر است .

دانشمندان آذربایجان

« نرسم که ز رخ پرده بر انداخته باشی »

(تحفه سامی)

میر محمود مشکی - از آدمی زاد های تبریز است و در شعر مسام خصوصاً

در قصاید و غزل و این دو مطلع از اوست .

« بفکر آن میان امشب دل صد ناتوان کم شد

دل يك يك پدید آمد دل من در میان کم شد »

« بر سر کوی تو آئین دگر خواهم نهاد

یا نهند آنجا من بیچاره سر خواهم نهاد »

(تحفه سامی)

مشهور - در کلمه زمان نوشته شده است .

میرزا جعفر خان مشیر الدوله - خلف میرزا نقی حسینی وزیر تبریزی

معروف به مهندس از جمله شاگرد هائی است که در تاریخ ۱۲۳۰ هجری از طرف دولت باروپ رفته و پس از تحصیل در شهر لندن در شعبه ریاضیات و هندسه اختصاص یافته و کتابی در علم حساب تألیف کرده که بخلصة الحساب مشیر الدوله معروف و در سال ۱۲۶۳ در طهران چاپ شده است .

آقای میرزا جعفر خان در سنه ۱۲۵۲ بسفارت استانبول و اقامت در دربار دولت عثمانی مأمور و روانه شده و در تاریخ ۱۲۵۷ عهد نامه تجارتنی فیما بین دولتین ایران و بلجیک و یکسال بعد از آن عهد نامه دولتین ایران و اسپانی را که هر يك مشتمل بر ۷ ماده میباشد در شهر استانبول منعقد نموده است و در سال ۱۲۶۰ نظر بقتل و غارتی که در ۱۲۵۸ در کربلا واقع شده بود با نمایندگان دول ثلاثه عثمانی و انگلیس و روس معین شده بود که در مجلسی جمع شده استرضای خاطر دولت ایرانرا فراهم آورند ولی مشار الیه پس از حرکت از طهران که تبریز رسیده بواسطه ظهور مرض بستری شده و میرزا نقی خان (امیر کبیر) بجای وی معین و بارز نه الروم که مجلس در آنجا تشکیل شد رفته است .

مشیرالدوله

در سنه ۱۲۶۴ با میرزا نقی خان وزیر نظام مامور تجهیز لشکر و تهیه اسباب سفر ناصرالدین شاه بطهران معین شده و پس از انجام آن خدمت مامور تعیین خط سرحد دولتین ایران و عثمانی گشته و باتفاق نمایندگان دول ثلاثه انگلیس و روس و عثمانی به بغداد و محمره رفته است و این مأموریت وی قدری طول کشیده و نتیجه اقدامات و قطع نامه طرفین را آقای مشیرالدوله و فریق درویش پاشا از طرفین ایران و عثمانی هر يك در کتابچه بقلم آورده اند .

تحقیقات سرحدیه آقای مشیرالدوله در کتابچه مدون شده اولش این است .
الحمد لله الذی اسرى بعبدہ لیلان من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی ، نسخه های متعدد از آن موجود است .

تحقیقات سرحدیه درویش پاشا در سنه ۱۲۸۶ در استانبول بعنوان خاطرات درویش پاشا چاپ شده است در تاریخ ۱۳۳۰ هجری در استانبول که کمیون سرحدی تشکیل شده و آقای احتشام السلطنه رئیس آن بودند بکارنده این تصور آن کتابچه را پارسی ترجمه نموده ام نسخه از آن در نزد اینجانب موجود و نسخه دیگرش در وزارت خارجه میباشد .

بالجمله آقای مشیرالدوله در سنه ۱۲۷۵ بریاست دارالشورای دولتی منصوب و فرمان ذیل برای وی دستخط شده است .

چون مشیرالدوله را در صداقت و دولتخواهی بارها آزمایش فرموده ایم و کمال وثوق و اعتماد بکفایت و کاردایی او داریم خیر خواه و مخلص میدایم علی هذاریاست شورای دولت را که از امورات معظمه است بعهدہ کفایت او محول میفرمائیم که در آن امر روز بروز صداقت و دولتخواهی و غیرت خود را بعرضه ظهور رساند و بدان واسطه بالثقات و مرحمت ما در حق خود بیافزاید غره شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۵ .

در تاریخ ۱۲۷۷ حضرت مشار الیه بسمت ایلچی گری فوق العاده مامور بدربار انگلیس شده و پاریس و آنن و بسیاری از جاهای دیگر نیز رفته و سیاحت نموده است . شرح و تفصیل این سیاحت و مأموریت در شماره ۵۱۳ روز نامه دولت علیه ایران (پنجشنبه ۲۹ رجب ۱۲۷۷) نوشته شده است و در ۱۱ ذیحجه همانسال پس از اتمام .



در وسط نشسته: مرحوم میرزا جعفر خان مشیر الدوله در مأموریت سعادت کبرای لندن
از راست بچپ: محمد علی خان سرتیپ نایب آجودان ناسی - میرزا محبعلی ناظر دفتر خانه
اهور خارجه - میرزا علی اکبر شریف الحکماء - میرزا اسحاق خان - میرزا حسن خان